از هراره تا تهران - ۳۱

نزدیک به ۲ سال پس از شروع جنگ تحمیلی

وقتی صدام در خطر افتاد، شورای امنیت ظاهر شد

شش سال از شروع جنگ گذشته و شورای امنیت، شش قطعنامه در مورد آن صادر کرده است. در نگاه اول، به نظر می‌رسد که مساوات بین دو کشور رعایت شده، اما این عین بی‌عدالتی است. دزدِ قلدرِ زبان‌نفهمی به یک جوانِ تنها حمله کرده، اهالی هم به کمک دزد رفته‌اند تا جوان زودتر از پا بیفتد، در این میان کلانتری هم ظاهر عدالت‌خواهی می‌گیرد و از دو طرف می‌خواهد دعوا را تمام کنند. و ای‌کاش ماجرا همین بود.

شش روز پس از آغاز جنگ، قطعنامهٔ ۴۷۹ صادر شد؛ ضعیف و منفعل و بی‌خاصیت. انگار نه انگار که یک کشور زیاده‌خواه، به‌رسم مغول‌ها، به همسایه‌اش حمله کرده و هزاران نفر از مردم عادی را قتل‌عام کرده است. شورای امنیت سازمان ملل، نامی با این‌همه طمطراق و ادعا، خودش را جمع کرده و دربارهٔ یک تجاوز واضح ظالمانه، قطعنامه‌ای بیرون داده که «از دو طرف خواسته می‌شود از توسل بیشتر به زور، خودداری کنند.»

شورای امنیت هم یک دستِ تشکیلات همان دیو جهان‌خواری است که دست دیگرش به ایران حمله کرده. حالا که صدام دارد پیش می‌رود، لازم نیست کاری کرد، بگذار راحت باشد. حدود یک سال و ده ماه سکوت محض؛ خواب که نه، مرگ همه را فراگرفته.

اما همین که خرمشهر آزاد شد، آن دست دیگر هم پیدا شد. حالا دیگر او هم باید کمک می‌کرد. به پیشنهاد اردن! که او هم برای خود یک انگشتی است، قطعنامهٔ ۱+۵۴ تصویب می‌شود: «نگران کشته‌شدن انسان‌ها و آسیب به تأسیسات و امکانات و تهدید صلح هستیم و خواستار آتش‌بس سریع و عقب‌نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای بین‌المللی». یک‌مرتبه انسان‌های کشته شده، مظلوم شدند و صلح به خطر افتاد. حال دیگر باید جلوی ایران را می‌گرفتند تا صدام دوباره جان بگیرد.

اما این جوان دیگر بی‌ترمز شده بود. زخم‌ها قوی‌تَرَش کرده بودند و چشمش بازتر، عزم کرده بود که تنها، مقابل همه بایستد و چشم فتنه را کور کند.

رزمندگان ایرانی وارد خاک عراق شدند تا او را تنبیه کنند. شورای امنیت به تکاپو افتاد و دو ماه پس از قطعنامهٔ قبلی، در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۶۱ قطعنامهٔ ۵۲۲ را صادر و در آن از آمادگی عراق برای اجرای قطعنامهٔ قبلی تشکر کرد و از آن خواست که همکاری کند. فشارهای بین‌المللی و سیاسی بیشتر می‌شوند. اما حضرت امام به‌پشتوانهٔ الهی‌اش که در وجود بسیجیان جلوه کرده بود، کاری به این حرف‌ها و قیل‌وقال‌ها نداشت.

بعثی‌ها که در میدان جنگ کم آورده بودند، حملات هوایی و موشکی به شهرها را شروع کردند و هزاران نفر از مردم عادی را در خانه‌هایشان شهید کردند. قطعنامهٔ ۵۴۰ در آبان ۱۳۶۲ صادر شد که بدون اشاره به جنایات رژیم بعثی، خواسته بود به شهرها حمله نشود. و چهار روز پس از آن، چندین شهر کشور، به‌شدت موشک‌باران و بمباران شد.

در اوج حملات شیمیایی به ایران، با وجود تأیید این حملات از طرف کارشناسان اعزامی سازمان ملل، که خود شاهد دو مورد از حملات بودند، قطعنامه‌ای صادر نشد، فقط اشاره‌ای شد به محکومیت این حملات، آن‌هم بدون بردن اسم استفاده‌کننده. اما وقتی چند کشور عربی، برای صدمه‌دیدن کشتی‌هایشان در خلیج فارس، از ایران شکایت کردند، بلافاصله قطعنامهٔ ۵۵۲ برای این کشتی‌ها صادر شد. ایران برای حفظ امنیت کشتی‌ها اعلام آمادگی کرد. اما با کارشکنی دشمن، حمله به کشتی‌ها ادامه پیدا کرد. امنیت کشتی‌های تجاری، جان مردم ایران نبود که راحت از آن بگذرند، قطعنامهٔ دوم ۵۲۸ هم صادر شد تا امنیت کشتی‌ها را حفظ کند.

با اجرای عملیات والفجر هشت و تصرف فاو، نفس صدام و حامیانش بند آمد و شروع کردند به دست و پا زدن. شورای امنیت به پیشنهاد عراق و هفت کشور عرب، جلسه‌ای با شرکت آنان تشکیل داد و قطعنامهٔ ۵۸۲ را در ۵ اسفند ۱۳۶۴ صادر کرد تا جنگ به هر شکل تمام شود. حالا که فاو در دست نیروهای اسلام بود، تصرف زمین از راه زور، غیر قابل قبول شد و طولانی شدن جنگ نگران‌کننده!

این روال، یکی از مصادیق بارز بی‌مصرف‌بودن شورای امنیت و ضد صلح بودن آن بود و به هر وجدان بیدار و عقل منصفی ثابت می‌کرد که در این نظام ظالمانه، مظلوم باید حقش را خودش بگیرد، حتی به قیمت جان.

[ادامه سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در اجلاس هراره:] یکی از مشکلات ما متأسفانه ناشی از دوگانگیِ معیار قضاوت در برخورد با اصل مسئلهٔ جنگ بوده است. مثلاً درحالی‌که طبق اطلاعیهٔ ۱۹۴۲ متفقین در لندن، تعقیب هیتلر به‌عنوان جنایتکار جنگی، از مهم‌ترین هدف‌های ادامهٔ جنگ شمرده شده، که خود یک سابقهٔ حقوقی در این خصوص است، نسبت به اعمال مشابه عراق در طول جنگ، قضاوت و تصمیم مشابه معمول نگردیده است. همان کشورهایی که کاربرد سلاح هسته‌ای از سوی آمریکا در هیروشیما را یک عکس‌العمل عادلانه در قبال شروع جنگ تلقی کرده‌اند، پنج‌سال‌ونیم بعد از آغاز جنگ از سوی عراق، در نتیجهٔ فشار افکار عمومی، تنها به اشاره‌ای بسیار ضعیف در مورد جنایت آغاز جنگ رضایت داده و حتی به‌جای یک تعبیر صحیح، عبارت «اعمال اولیه» را در آخرین قطعنامهٔ غیرعادلانهٔ شورای امنیت گنجاندند. متأسفانه همین دوگانگیِ معیارِ قضاوت، در مواضع برخی از کشورهای غیرمتعهد هم مشاهده شده است.

*** آیت‌الله خامنه‌ای: یکی از مشکلات ما متأسفانه ناشی از دوگانگی معیار قضاوت در برخورد با اصل مسئلهٔ جنگ بوده است. مثلاً درحالی‌که طبق اطلاعیهٔ ۱۹۴۲ متفقین در لندن، تعقیب هیتلر به‌عنوان جنایتکار جنگی، از مهم‌ترین هدف‌های ادامهٔ جنگ شمرده شده، نسبت به اعمال مشابه عراق در طول جنگ، قضاوت و تصمیم مشابه معمول نگردیده است.**

در اوج حملات شیمیایی به ایران، با وجود تأیید این حملات از طرف کارشناسان اعزامی سازمان ملل، که خود شاهد دو مورد از حملات بودند، قطعنامه‌ای صادر نشد، فقط اشاره‌ای شد به محکومیت این حملات، آن‌هم بدون بردن اسم استفاده‌کننده. اما وقتی چند کشور عربی، برای صدمه‌دیدن کشتی‌هایشان در خلیج فارس، از ایران شکایت کردند، بلافاصله قطعنامهٔ ۵۵۲ برای این کشتی‌ها صادر شد.

«ترومن» رئیس‌جمهور آمریکا، علناً و با افتخار اعلام کرد که دستور بمباران اتمی ژاپن را راحت صادر کرده و آن شب، آسوده خوابیده.

در میانهٔ جنگ دوم جهانی، گروهی از یهودیان مهاجر به آمریکا، به دولت خبر دادند که آلمانی‌ها دنبال ساختن بمب اتم هستند. آن‌وقت همه می‌دانستند که می‌توان از انرژی اتمی استفاده کرد، اما کسی به فکر ساخت بمب نیفتاده بود. بزرگ‌ترین پروژهٔ علمی آمریکا آغاز شد. بیش از صد هزار دانشمند استخدام و سی‌وهفت مرکز تحقیقاتی و دوازده آزمایشگاه دانشگاهی، مشغول به کار شدند. نام این برنامه «پروژهٔ مَنهَتَن» بود. سه سال پس از آغاز پروژه، اولین بمب اتم آماده بود. حالا به‌هر قیمتی، این بمب باید آزمایش می‌شد، تا قدرت تخریبی آن برای دولت آمریکا و دشمنانش مشخص شود.

آلمان تسلیم شد و جنگ را تمام کرد، اما ژاپن هنوز مقاومت می‌کرد. دو بمب اتم جنگ را تمام کرد. پس این یک عمل انسان‌دوستانه و خداپسندانه بود، چون بدترین جنگ تاریخ را تمام کرد! سران لجباز ژاپن باید سر عقل می‌آمدند، به هر قیمتی. این‌طور مردم کمتری کشته می‌شدند، حتی از خود ژاپنی‌ها.

به همین سادگی و راحتی! کسی هم اعتراضی به این حرف‌ها و استدلال‌های عوام‌فریبانه نکرد. اینکه جنگ باید تمام می‌شد و متجاوز تنبیه، دلیل مقبول و جهان‌پسندی شد برای نابود کردنِ دو شهر با مردمانش، توجیهی شد برای کشتن صدها هزار زن و کودک بی‌پناه، در چند ثانیه! و هر چند سال هم که از آن روزها می‌گذرد، هنوز کسی اعتراض ندارد. رئیس‌جمهور آمریکا، حق‌به‌جانب و مغرور، این توان تخریبی وحشیانه و ظالمانه را نعمت خدا می‌داند: «خدا را شکر که سلاح اَتمی به‌دست ما افتاد، نه دشمنان ما؛ خدا کمک کند تا آن را به‌درستی استفاده کنیم.» و بمباران هیروشیما و ناکازاکی از مصادیق آن استفادهٔ درست بود!

*** شورای امنیت هم یک دستِ تشکیلات همان دیو جهان‌خواری است که دست دیگرش به ایران حمله کرده. حالا که صدام دارد پیش می‌رود، لازم نیست کاری کرد، بگذار راحت باشد. حدود یک سال و ده ماه سکوت محض؛ خواب که نه، مرگ همه را فراگرفته.**

تبلیغات آن‌قدر شدید بود که حتی خود ژاپنی‌ها هم نتوانستند از آمریکا جواب بخواهند و اعتراض کنند. عکس‌العمل ژاپن محدود شد به مراسم سکوت و دعا و ساختن دُرناهای کاغذی. و در کنارش، روابط حسنه با آمریکا!

*** رزمندگان ایرانی وارد خاک عراق شدند تا او را تنبیه کنند. شورای امنیت به تکاپو افتاد و دو ماه پس از قطعنامهٔ قبلی، در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۶۱ قطعنامهٔ ۵۲۲ را صادر و در آن از آمادگی عراق برای اجرای قطعنامهٔ قبلی تشکر کرد و از ایران خواست که همکاری کند.**

زیرپوست جنگ - ۵

در جنگ تحمیلی صدام علیه ایران

سوریه برخلاف دیگر کشورهای عربی از ایران حمایت کرد

***و البته همین‌ها از ایران هم حمایت می‌کردند [!!]**

- صلاح‌عمرالعلی(نماینده وقت حزب بعث عراق در سازمان‌ملل): بله از ایران هم حمایت می‌کردند، درست، ولی حقیقتا نه به این حجم. باید دقیق باشیم. از ایران برای رسیدن به چند هدف تاکتیکی حمایت می‌کردند [ولی حمایتشان از صدام استراتژیک بود]. آنها خیلی اصرار داشتند که جنگ تا بیشترین زمان ممکن طول بکشد تا دو کشور ویران شوند. وقتی می‌دیدند که برتری صدام حسین ملموس شده است در یک حد معین و محدودی از ایرانی‌ها حمایت می‌کردند. تازه آن هم نه همه‌ی کشورها [درحالیکه همه‌ی کشورها بدون استثنا از صدام حمایت می‌کردند]. این صحیح است.

***آیا برخی کشورها به عنوان واسطه رسیدن سلاح به عراق عمل می‌کردند؟**

- بگذار این [مطلب مهم] را برایت بگویم: همه کشورهای عربی به استثنای سوریه، همه‌شان از صدام حسین حمایت می‌کردند، یا به صورت مستقیم یا به صورت غیر مستقیم. ولی کشوری که از همه در این زمینه [حمایت از صدام] فعال‌تر بود، مصر بود در دوره رئیس‌جمهور انور سادات.

***یعنی با وجود آنکه صدام به دلیل سفر [یکجانبه] سادات به اسرائیل و امضای معاهده کمپ دیوید به او بد و بیراه می‌گفت، در پشت پرده چیز دیگری جریان داشت؟**

- بله بله، همینطور بود. دقیقا همینطور بود [و صدام با سادات مشکل داشت] ولی بعد از جنگ ماجرا طور دیگری شد و روابط با سادات از سر گرفته شد و اصلا ارتباط طور دیگری شد و غیره. در دوره‌ی سادات یک افسر عالی‌رتبه عراقی با درجه‌ی سرلشکری به واشنگتن فرستاده شد و در سفارت مصر مشغول به کار شد. مأموریت او فقط این بود که نیازهای عراق از سلاح‌های آمریکایی را پی‌گیری کند. حکومت عراق درخواست‌هایش را از طریق این شخص مطرح می‌کرد و از آنجا که قوانین آمریکا اجازه نمی‌داد به دو کشوری که در حال جنگ‌اند به صورت رسمی سلاح فروخته شود، فلذا این درخواست‌ها و فهرست نیازهای تسلیحاتی به اسم ارتش مصر ارائه می‌شد و بعد خریداری می‌شد و به مصر می‌آمد و از مصر مخفیانه به دست صدام می‌رسید. البته حقیقتا مخفیانه نبود، با اطلاع آمریکایی‌ها ارسال می‌شد.

*** نماینده صدام در سازمان‌ملل: بگذار این [مطلب مهم] را برایت بگویم: همه کشورهای عربی به استثنای سوریه، همه‌شان از صدام حسین حمایت می‌کردند، یا به صورت مستقیم یا به صورت غیر مستقیم.**

***آماری از میزان اموالی که عراق در این جنگ ۸ ساله برای خرید سلاح هزینه کرد داری؟**

-بگذار برایت چیزی بگویم، چون این مسئله از مسائل خیلی مهم است، چون روش تفکر صدام حسین و راه و روش شاذ و عجیبش را نشان می‌دهد. صدام حسین [در طول جنگ] تبدیل شد به یکی از واردکنندگان سلاح از کشور آفریقای جنوبی.

***که در آن دوره تحت رژیم آپارتاید و تبعیض نژادی بود [و همه‌ی کشورهای آزاده‌ی جهان با آن قطع رابطه کرده بودند].**

- بله. صدام از راه آمریکا هیئت‌هایی را برای خرید سلاح به آفریقای جنوبی می‌فرستاد. آفریقای جنوبی صنایع نظامی‌اش در برخی محصولات خیلی خوب بود، از جمله توپ. فلذا صدام این‌ها را از آفریقای جنوبی می‌خرید.

***طبیعتا با هماهنگی اسرائیل و سازندگان سلاح.**

-راستش من نمی‌توانم این مسئله را به این شکل تأیید کنم.

***نه، خب کارخانه‌های سلاح در آفریقای جنوبی سلاح‌هایشان را در ارتباط با [اسرائیل پیشرفت می‌دادند]**

-نه، صریحا می‌گویم من اطلاعاتی در این باره ندارم...

***اینها منتشر شده. اطلاعاتش نشر پیدا کرده...**

- در هر حال. وقتی سؤالی می‌پرسی، من می‌گویم من این چنین سندی در اختیار ندارم، ولی صدام از خود آفریقای جنوبی سلاح می‌خرید، بله، از طریق مسیر آمریکا.

***صدام وقتی در هاوانا [در گفت‌وگو با تو] از عزم جزمش برای راه‌انداختن جنگ حرف می‌زد، چه تصوری داشت؟ آیا می‌فهمید اینکه با کشوری مثل ایران وارد جنگ شود یعنی چه؟**

- برایت گفتم که، صدام اینطور گفتم، گفت...

***منظورم این است که انتظار داشت این جنگ یک چند روزی طول بکشد، یا چند هفته، یا چند ماه یا چند سال؟**

- نه، او تقریبا انتظارش این بود که جنگ‌ای بسا فقط چند ماه طول بکشد، فکر می‌کرد بیش از چند ماه طول نخواهد کشید. این برداشت و اعتقاد صدام بود. چیزهایی که روی آن حساب کرده بود [و بر آن اساس خیال می‌کرد جنگ حداکثر چند ماه طول می‌کشد] این بود که ایران دارد فرو می‌پاشد، ارتشش در حالی فروپاشی و تحلیل رفتن است، بعد هم درگیری‌هایی در داخل رهبری وجود دارد، ترور و قتل و بمب‌گذاری و... هفته‌های اول پس از انقلاب در ایران را که یادت هست.

***همه اینها که گفتی بود، ولی این برداشت و تحلیل [که صدام داشت] فکر نمی‌کنم تحلیل صحیحی بوده باشد که حتی یک آدم معمولی در خیابان هم آن را بپذیرد.**

- البته، البته. قطعا و یقینا نمی‌توان در مقابل یک انقلاب ایستاد، در مقابل انقلاب مردمی عظیم و فراگیری با این قدرت.

***کدام دستگاه‌ها طبق قاعده باید به صدام اطلاعات می‌دادند؟ آیا به این دستگاه‌ها تکیه داشت؟**

- صدام حسین به احدی تکیه و اعتماد نداشت. فقط به فکر خودش تکیه و اعتماد داشت. بله مشاوره می‌گرفت، گوش می‌کرد به حرف ولی در نهایت خودش بود که تصمیم می‌گرفت. از چیزهای خنده‌دار اینکه دایی‌اش خیرالله طلفاح در یکی از نشست‌های تلویزیونی می‌گفت: «همه‌ی فرمانده‌هان و رهبران عالم به مشاورینی احتیاج دارند که آنها را راهنمایی کنند و به بسیاری از امور آگاه کنند. صدام حسین هم مشاور دارد ولی فرق بین صدام حسین و دیگر رهبران این است که این صدام حسین است که به مشاورانش چیز یاد می‌دهد، نه برعکس!» ببین چه طرز تفکر سطح پایینی بود که خیرالله طلفاح اینطور حرف می‌زد که «بله، صدام حسین مشاور دارد ولی این اوست که به مشاورانش چیز یاد می‌دهد.» فلذا باید گفت صدام [به معنای دقیق مشاوره]، از کسی مشاوره نمی‌گرفت.

*** صلاح‌عمرالعلی: از آنجا که قوانین آمریکا اجازه نمی‌داد به دو کشوری که در حال جنگ‌اند به صورت رسمی سلاح فروخته شود، فلذا این درخواست‌ها و فهرست نیازهای تسلیحاتی به اسم ارتش مصر ارائه می‌شد و بعد خریداری می‌شد و به مصر می‌آمد و از مصر مخفیانه به دست صدام می‌رسید.**

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود

تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

آگهی دعوت سهامداران به تشکیل مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده «در شرکت سهامی‌خاص»

نام شرکت: شرکت پخت کک سبز (سهامی‌خاص)
شماره ثبت: ۱۷۲۷۱۴
شناسه ملی: ۱۰۱۰۲۱۵۱۴۱۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده که در ساعت ده صبح مورخ ۱۳۹۶/۷/۲۶ در آدرس تهران- بلوار نلسون ماندلا کوچه آناهیتا پلاک ۱۶ واحد ۳ طبقه دوم کدپستی ۱۹۱۷۶۴۳۹۱۸ تلفن ۸۸۷۹۰۴۹۲ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:
۱- انتخاب اعضای هیئت‌مدیره، ۲- انتخاب بازرسین، ۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، ۴- تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال۱۳۹۳

اعضاء هیئت‌مدیره شرکت پخت کک سبز (سهامی‌خاص)
مصطفی کلانتری- محمدرضا مؤید

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای ابراهیم پورنادر دارای شماره ملی ۵۰۹۸۶۷۴۷۳۵ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۸۹۰۱۰۰۴۲ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان شمسعلی پورنادر به شماره ملی ۵۰۹۸۶۴۲۱۱۶ در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۲۴ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- محمد پورنادر دارای ش.ش ۱۵۰۳ پسر متوفی ۲- ابراهیم پورنادر دارای ش.ش ۴۴۷۰ پسر متوفی ۳- زهرا پورنادر دارای ش.ش ۱۶۴۴ دختر متوفی ۴- صغری پورنادر دارای ش.ش ۱۱۸۲ دختر متوفی ۵- فاطمه پورنادر دارای ش.ش ۵۷۷ دختر متوفی ۶- کبری پورنادر دارای ش.ش ۱۱۰۹ دختر متوفی ۷- فرخنده کله‌دره آزاد دارای ش.ش ۳۳ همسر متوفی. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شعبه دوم شورای حل اختلاف شهر بوئین‌زهرا

آگهی حصر وراثت

آقای احمد شهرت سعدی شاخی نام پدر عبدالکاظم به شناسنامه ۸۳۱ صادره از خرمشهر درخواستی به خواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که شادروان مرحومه برنو شهرت هاشمی به شناسنامه ۱۹۵ صادره اهواز در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۳۰ در اهواز اقامتگاه دائمی خود فوت ورثه‌اش عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق ۲- مهران سعدی شاخی شماره شناسنامه ۵۸۸ صادره خرمشهر ۳- سیدموسی سعدی شماره شناسنامه ۲۶ صادره خرمشهر (فرزندان ذکور متوفیه) ۴- زهرا سعدی شاخی شماره شناسنامه ۳۶۲ صادره خرمشهر ۵- الهام سعدی شاخی شماره شناسنامه ۱۱۹۲ صادره خرمشهر (فرزندان اناث متوفیه) ولاغیر بشرح دادخواست تقدیمی ۹۶۰۳۹۶/۸/۹۶ حقوقی می‌باشد.
اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراض دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

قاضی شورای حل اختلاف
مجتمع شماره ۲ اهواز - اسلامی

کوشا ابراهیم‌پور بروجنی فرزند بهمن از تاریخ ۹۵/۱۲/۱۷ به قصد تهران عزیمت و هنوز بازنگشته از کسانی که اطلاع از ایشان دارند با تلفنهای ۰۹۳۰۴۴۴۰۵۷۱ و ۰۳۸۳۴۲۲۴۳۸۹ تماس و خانواده‌ای را از نگرانی برهانید.

سند، فاکتور فروش و برگ سبز خودروی سواری پژو ۲۰۶ به رنگ نقره‌آبی متالیک مدل ۱۳۸۳ به شماره موتور ۱۰FSS۱۴۸۴۵۱۹۳ و شماره شاسی ۸۳۶۵۳۲۵۸ و شماره پلاک ایران ۴۵- ۷۸۲ س ۸۶ متعلق به آقای فضل‌الله جعفری‌نژاد به کد ملی ۶۰۶۹۷۲۹۶۷۶ و شماره شناسنامه ۱۲۹ فرزند شکرالله صادره از عنبرآباد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی ابلاغ اوقات دادرسی

بدین وسیله به آقای افشین پروانه فرزند رحیم که فعلا مجهول‌المکان می‌باشد ابلاغ می‌گردد آقای مظفر فعلی فرزند حسن‌رضا دادخواستی بخواسته مطالبه وجه بطرفیت شما به حوزه ۱۱۴ شورای حل اختلاف شهرستان اسدآباد تقدیم که به کلاسه ۱۱۴/۹۶۰۱۸۲ح ثبت و وقت رسیدگی آن به تاریخ ۹۶/۸/۲۵ روز پنج‌شنبه ساعت ۹:۳۰ تعیین گردیده است. اینک بنابر درخواست خواهان و تجویز این شورا مستندا به ماده ۷۳ از قانون آئین دادرسی مدنی با انتشار یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار شما می‌توانید ظرف مدت یکماه از تاریخ نشر آگهی به این شورا مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود اخطاریه و ضمائم دادخواست را دریافت در وقت رسیدگی در شورا حضور یابید و الا شورا تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

دبیرخانه حوزه ۱۱۴ شورای حل اختلاف شهر اسدآباد
م‌الف ۱۶۶۹

شماره ابلاغنامه: ۹۶۱۰۱۰۶۱۹۵۶۰۳۹۷۴
شماره پرونده: ۹۶۰۹۹۸۶۱۹۵۶۰۰۲۶۸
شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۲۷۸

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

خواهان آقایان ۱- عباس علوانی فرزند بچای ۲- شبیب جندالله فرزند گاطع دادخواستی به طرفیت خوانده آقای محمدکریم بختیاروند فرزند محمدرحیم به خواسته مطالبه وجه سفته به مبلغ یک میلیارد و دویست میلیون ریال مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۶۱۹۵۶۰۰۲۶۸ شعبه ۱۸ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اهواز ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ ساعت ۱۲:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

منشی شعبه هجدهم دادگاه عمومی(حقوقی) شهرستان اهواز
سیدمرتضی موسوی

استان خوزستان- شهرستان اهواز- انتهای عامری- اول نیوساید- مجتمع قضایی شهید تندگویان(انرژی)

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب سیدمحسن موسوی فرزند سیدمحمدحسین به شماره شناسنامه ۶۴۰۷ صادره از اصفهان در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی مکانیک(حرارت و سیالات) صادره از واحد دانشگاهی خمینی‌شهر به شماره ۰۰۴۶۲۴ به تاریخ ثبت ۸۷/۲/۳۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر به نشانی اصفهان- خمینی‌شهر- منظریه- بلوار دانشجو- صندوق پستی ۱۱۹-۸۴۱۷۵ کد پستی ۸۴۱۸۱۴۸۴۹۹ تلفن ۱۴-۳۶۶۰۰۱۱ ارسال نماید.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) و سند مالکیت سواری پژو SD مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۴۵۹ب۲۸ ایران۵۳ و شماره شاسی NAAP۴۱FD۸AJ۲۷۸۱۰۵ و شماره موتور ۱۳۳۸۸۰۱۹۳۱۸ به مالکیت محمودرضا خلیلی اصفهانی کد ملی ۱۲۸۲۲۵۰۵۰۷ مفقود گردیده فاقد اعتبار است.

آگهی مزایده و فروش اموال غیرمنقول
نوبت اول

به موجب نیابت شماره ۹۴۰۱۴۱- ۹۶/۳/۳۰ صادره از اجرای احکام شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان کرمان موضوع پرونده اجرایی کلاسه ۹۶۰۵۴۴ این اجرا، دستور ضبط وثیقه یک باب واحد آپارتمان به شماره فرعی ۷ فرعی از ۲۲۲۰-۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ بخش یک ملایر به مالکیت آقای علیرضا ترابی صادر گردیده که بنا به درخواست وکیل محکوم‌له خانم سمیه یاقوتی ملک فوق م بشرح ذیل متعلق به شخص ثالث از سوی این اجرا از ساعت ۹ الی ۱۰ مورخ ۹۶/۸/۲ در محل شعبه اول اجرا احکام حقوقی ملایر از طریق مزایده به فروش برسد مزایده از قیمت پایه کارشناسی ۱/۰۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شروع می‌شود و به هر شخص حقیقی و یا حقوقی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید فروخته خواهد شد. ده درصد وجه مزایده فی‌المجلس به صورت وجه نقد یا چک بانکی تضمینی از خریدار اخذ و مابقی ظرف مدت یک ماه از خریدار وصول و پس از انجام مراحل قانونی و صدور دستور تملیک از سوی دادگاه مربوط، مورد مزایده بنام خریدار منتقل خواهد شد، در صورتی که خریدار در مهلت یک ماه مقرر بقیه وجه مزایده را پرداخت ننماید، سپرده وی پس از کسر هزینه‌های مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می‌گردد. در صورت ایصال اعتراض از ناحیه اشخاص ذینفع ظرف یک هفته از تاریخ مزایده نسبت به نحوه انجام مزایده تا رسیدگی به اعتراض از سوی دادگاه مورد مزایده به خریدار تحویل نخواهد شد. ضمناً متقاضیان به شرکت در مزایده می‌توانند در مدت پنج روز قبل از مزایده با هماهنگی این اجرا از مال مورد مزایده بازدید نمایند. مال مورد مزایده و بهای آن طبق نظر کارشناس به این شرح است.
ملک فوق در ملایر خیابان خیام روبه‌روی پارک چمران کوچه صفا به مساحت ۳۴/۳۷ چهار دانگ از ششدانگ مشاع به شماره ثبت ۳۷۳۴۴ و دو دانگ مشاع از شش دانگ به شماره ثبت ۲۷۳۳۲ به مالکیت آقای علیرضا ترابی به قیمت ۱/۰۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برآورد گردیده است.

مدیر شعبه اول اجرای احکام حقوقی ملایر- میرزابیگی
م‌الف ۱۶۱۱

آگهی ابلاغ

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای جعفر حسینی کاشانتوئی فرزند محمدحسن
خواهان آقای مظفر سهلی دادخواستی به طرفیت خوانده آقای جعفر حسینی کاشانتوئی به خواسته مطالبه وجه مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۸۵۳۸۶۰۰۱۸۲ شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان اسدآباد ثبت وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ ساعت ۱۰:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

دادگاه شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان اسدآباد

آگهی ابلاغ تامین خواسته به خوانده مجهول‌المکان

بدینوسیله به آقای ۱- علی‌اکبر صحرایی فرزند محمدعلی فعلا مجهول‌المکان ابلاغ می‌گردد که: آقای سیدمهدی احمدزاده فرزند سیدعلی دادخواستی به خواسته مطالبه مبلغ ۱/۱۰۰/۰۰۰ هزار تومان به انضمام تامین خواسته‌ای به مبلغ ۱/۱۰۰/۰۰۰ به طرفیت شما به شعبه ۱۳ شورای حل اختلاف سبزوار ارائه و به کلاسه ۲۳۲-۹۶-۱۳ ثبت و به موجب رای شماره ۲۹-۲۳۷ در خصوص تامین خواسته صادر گردید. مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌شود. رای صادره ده روز پس از انتشار در همین شعبه قابل اعتراض می‌باشد.

دبیرخانه شعبه ۱۳ شورای حل اختلاف شهرستان سبزوار

آگهی ابلاغ دادخواست و وقت رسیدگی

بدینوسیله به آقای علی‌اکبر صحرائی فرزند محمدعلی فعلاً مجهول‌المکان ابلاغ می‌شود که آقای سیدمهدی احمدزاده دادخواستی به خواسته مطالبه وجه به طرفیت شما به شعبه ۱۳ شورای حل اختلاف سبزوار ارائه و به کلاسه ۲۳۲-۹۶-۱۳ ثبت و برای روز شنبه مورخه ۹۶/۸/۲۷ ساعت ۱۶:۳۰ وقت رسیدگی تعیین گردیده است لذا به استناد ماده ۷۳ ق- آ- د- م مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار درج می‌گردد شما می‌توانید قبل از رسیدگی به دبیرخانه شورای حل اختلاف شعبه ۱۳ شهرستان سبزوار مستقر در مجتمع شماره یک به نشانی چهارراه دادگستری مراجعه و با ارائه آدرس جدید خود نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر جهت رسیدگی در شورا حاضر شوید. در صورت عدم حضور غیاباً رسیدگی خواهد شد.

مسئول دبیرخانه شعبه ۱۳ شورای حل اختلاف سبزوار

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم سفوره گمشادزهی باستناد دو برگ استشهاد محلی که به امضاء شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۶۵ زاهدان رسیده مدعی است که سند مالکیت ۶۱۹۶۴۷-الف ۹۰ ششدانگ یکباب منزل پلاک ۱/۸۳۸- اصلی واقع در بخش دو بلوچستان شهر میرجاوه مورد ثبت ۸۰۹ صفحه ۱۱۹ دفتر ۶ بعلت اسباب‌کشی از بین رفته درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه ث